

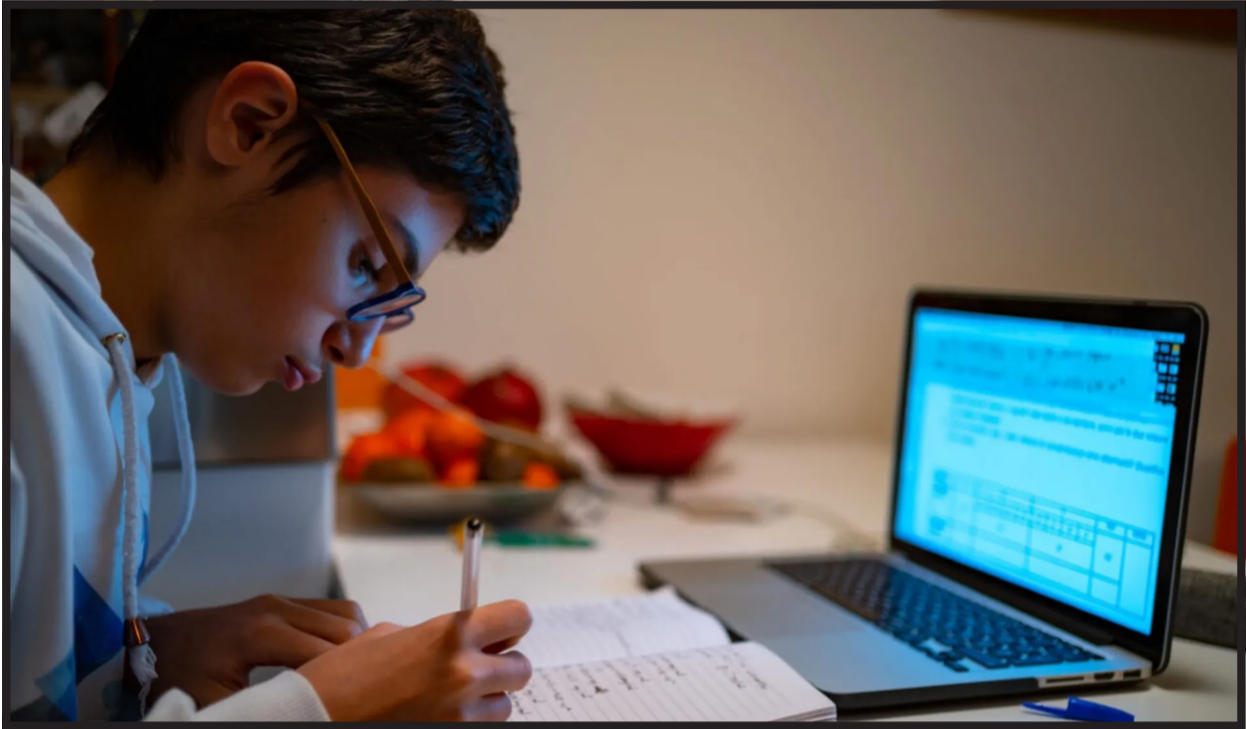
# آموزش مجازی؛ راه‌حل یا مشکل؟

آموزش آنلاین برای کودکان ابتدایی در ایران معضلات زیادی دارد؛ بسیاری از دانش‌آموزان بدون همراهی والدین نمی‌توانند در کلاس‌ها شرکت کنند و این باعث عقب‌ماندگی آن‌ها می‌شود

تک‌سویه عملاً این کودکان را از چرخه یادگیری فعال خارج می‌کند. علاوه بر این، معلمانی که بیشتر برای تدریس حضوری تربیت شده‌اند، در نبود دوره‌های تخصصی نمی‌توانند شیوه‌های مؤثر آموزش مجازی را پیاده‌سازی کنند. به همین دلیل، کیفیت آموزش در مقاطع ابتدایی، جایی که پایه‌های یادگیری دانش‌آموزان شکل می‌گیرد، بیشترین آسیب را می‌بیند.

## بار آموزش آنلاین بر دوش خانواده‌ها

تجربه خانواده‌ها در دوران کرونا و تعطیلی‌های مکرر مدارس نشان می‌دهد که در ایران، بار اصلی آموزش آنلاین به دوش والدین افتاده است. بسیاری از والدین مجبور بودند در کنار فرزند خود بنشینند، تکالیف را برای آن‌ها توضیح دهند، ابزارهای دیجیتال مانند گوشی یا تبلت تهیه کنند و زمان زیادی را برای نظارت بر کلاس‌های آنلاین اختصاص دهند. این مسئله برای مادران شاغل و خانواده‌های کم‌درآمد به شدت فشار مضاعفی به همراه داشته است. در شرایطی که خانواده‌ها هیچ‌گونه آموزش یا آمادگی قبلی برای نقش جدید خود نداشتند، کودکان ابتدایی نمی‌توانستند به‌طور مؤثر در کلاس‌ها شرکت کنند و عملاً نیمی از بار آموزش از مدرسه به خانه منتقل می‌شد. اگر والدین نتوانند یا نخواهند در کنار فرزند خود حضور داشته باشند، مشکلات جدی برای کودکان به‌وجود می‌آید. کودکان مقطع ابتدایی، که در این سن نیاز به نظارت و همراهی مداوم دارند، به‌سرعت از چرخه یادگیری عقب می‌مانند. آن‌ها مفاهیم پایه مانند خواندن، نوشتن و ریاضی را به‌طور کامل نمی‌آموزند، درک مطلبشان به‌مرور کاهش می‌یابد و انگیزه یادگیری در آن‌ها افت می‌کند. کودکانی که به دلایل مختلف—چه به دلیل شغل والدین، ناآشنایی آن‌ها با ابزار دیجیتال، یا مشکلات اقتصادی—امکان همراهی والدین را ندارند، بیش از همه در معرض حذف شدن از چرخه آموزش قرار می‌گیرند. این مسئله به‌ویژه باعث تشدید شکاف طبقاتی آموزشی می‌شود؛ زیرا خانواده‌هایی که توانایی پشتیبانی از فرزند خود را دارند، تا حدی کیفیت آموزش را تأمین می‌کنند، در حالی که خانواده‌های دیگر با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شوند و مجبورند پیامدهای چندین سال عقب‌ماندگی آموزشی را تحمل کنند. با توجه به چالش‌های موجود، بازگشت به آموزش مجازی—چه به دلیل بحران آلودگی هوا و چه در شرایط مشابه—نباید تنها با صدور یک بخشنامه و تعطیلی فوری مدارس همراه باشد. اگر آموزش آنلاین قرار است به‌عنوان بخشی جدی و پایدار از سیستم آموزشی کشور باقی بماند، باید با زیرساخت‌های مناسب، دوره‌های آموزشی حرفه‌ای برای معلمان و محتوای استاندارد همراه شود. پرسشی که باید مطرح شود این است که آیا دانش‌آموزان ابتدایی می‌توانند بدون کمک والدین به‌طور مؤثر یاد بگیرند؟ اگر پاسخ به این سؤال هنوز «نه» است، آموزش مجازی به‌جای اینکه راه‌حلی برای بحران‌ها باشد، خود به چالشی جدید در مسیر آموزش کودکان تبدیل خواهد شد.



## کیفیت آموزش در کلاس‌های آنلاین

یکی از نکات کلیدی در بررسی آموزش مجازی، ارائه یک تعریف روشن از این مفهوم است. آموزش مجازی به‌عنوان یک سیستم یاددهی-یادگیری، فرآیندی است که در آن انتقال مفاهیم، ارزیابی و تعاملات میان دانش‌آموز و معلم از طریق بسترهای دیجیتال و بدون حضور فیزیکی انجام می‌شود. کیفیت این نوع آموزش تنها به برگزاری کلاس‌های آنلاین محدود نمی‌شود؛ طراحی فعالیت‌های آموزشی، نوع تعامل، شیوه‌های تدریس، ابزارهای سنجش، محتوای آموزشی و حتی توانایی دانش‌آموز در مدیریت زمان، همه از عناصر کلیدی آن هستند. در استانداردهای جهانی، آموزش مجازی موفق باید ساختار یافته، تعاملی و قابل ارزیابی باشد. اما آنچه در عمل در ایران مشاهده می‌شود، بیشتر به تعطیلی آموزش حضوری و انتقال اضطرابی ارتباطات معلم و دانش‌آموز به بسترهای دیجیتال خلاصه شده است؛ بدون آنکه این فرایند به یک «مدل آموزشی» واقعی تبدیل شود.

سؤال اصلی این است که آیا کیفیت آموزش آنلاین در ایران—خصوصاً در مقطع ابتدایی—به درستی رعایت می‌شود؟ کارشناسان آموزشی بر این باورند که کیفیت آموزش، بیش از هر مقطع دیگری، در دوره ابتدایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. کودکان در این سن هنوز قادر به تمرکز طولانی مدت، مدیریت یادگیری مستقل یا استفاده مؤثر از ابزارهای دیجیتال نیستند. کلاس‌های غیرتعامل محور و

زیرساخت‌ها، طراحی نادرست اولیه و ناآشنایی معلمان و خانواده‌ها با تکنولوژی‌های دیجیتال، موجب شد این سامانه بیشتر به چالشی جدید تبدیل شود تا راه‌حلی برای بحران. با وجود این نقدها و مشکلات، تجربه سال‌های گذشته یک واقعیت را روشن کرد: آموزش مجازی به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از ساختار نظام آموزشی ایران در آمده؛ به‌ویژه در مواجهه با بحران‌هایی همچون آلودگی هوا، سرما، کمبود معلم و حتی بحران‌های طبیعی، به بخشی ضروری از آموزش تبدیل شده است.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته، آموزش آنلاین سال‌هاست که در کنار آموزش حضوری به‌عنوان یک مکمل رسمی شناخته شده است. این کشورها با استفاده از پلتفرم‌های استاندارد، ابزارهای تعاملی، محتوای چندرسانه‌ای و معلمان آموزش دیده، فرآیند آموزش آنلاین را به‌طور مؤثر و کارآمدی پیاده‌سازی کرده‌اند. در این سیستم‌ها، دانش‌آموزان نه تنها در کلاس‌های حضوری، بلکه در فعالیت‌های خودآموزی، پژوهش آنلاین و یادگیری پروژه‌محور نیز مشارکت دارند. اما نکته اصلی در اینجا تفاوت‌های بنیادی است: کشورهای پیشرفته زیرساخت‌های پایدار، اینترنت پرسرعت و محتوای آموزشی استاندارد دارند، عواملی که در ایران هنوز به‌طور کامل فراهم نیست. این مشکلات سبب می‌شود که آموزش مجازی در ایران نتواند با الگوهای جهانی هم‌راستا و با کیفیت مطلوب پیش برود.

با شدت گرفتن بحران آلودگی هوا و تعطیلی دوباره مدارس، وزارت آموزش و پرورش به ناچار بار دیگر به آموزش مجازی روی آورده؛ راه‌حلی که در ظاهر به‌عنوان یک اقدام اضطراری برای حفظ سلامت دانش‌آموزان به نظر می‌رسد، اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد این روش همچنان با چالش‌های فراوانی روبه‌روست. ضعف زیرساخت‌ها، ناتوانی در تدریس مؤثر در مقاطع ابتدایی و فشار مضاعف بر دوش خانواده‌ها، از جمله مشکلاتی است که آموزش آنلاین به‌ویژه در دوره‌های ابتدایی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. چهار سال پس از تجربه تلخ کرونا، این پرسش مطرح است که آیا نظام آموزشی ایران توانسته آموزش مجازی را از یک «چاره اضطراری» به یک «مدل کارآمد» تبدیل کند؟ بازگشت به آموزش آنلاین، اگر بدون حل مسائل بنیادین آن باشد، می‌تواند به افت کیفیت یادگیری و کاهش انگیزه دانش‌آموزان منجر شود.

## کرونا و آغاز آموزش مجازی

آغاز آموزش مجازی در ایران به دوران شیوع کرونا بازمی‌گردد؛ زمانی که مدارس به‌طور ناگهانی و بدون هیچ آمادگی قبلی تعطیل شدند و نظام آموزشی کشور مجبور شد به‌طور اضطراری به سمت آموزش از راه دور حرکت کند. در این شرایط، سامانه «شاد» به‌عنوان ابزار اصلی آموزش آنلاین در مدارس معرفی شد، اما ضعف‌های متعدد در

۶۶

چهار سال پس از تجربه کرونا، آموزش در ایران همچنان با مشکلات زیادی مواجه است. آیا این سیستم به یک مدل آموزشی کارآمد تبدیل خواهد شد؟

یادداشت



ثریا مظهرنیا

معلم نمونه کشوری

## آموزش آنلاین؛ آزمون برای عدالت

کرونا به‌عنوان یک بحران جهانی، نه تنها نظام‌های بهداشتی و اقتصادی را به چالش کشید، بلکه آزمونی دشوار برای نظام‌های آموزشی سراسر جهان بود. اما برای آموزش و پرورش ایران، این آنچه که در دل این بحران نمایان شد، نابرابری‌های عمیق و تاریخی‌ای بود که در ساختار آموزش نهفته بود. تعطیلی مدارس، در حالی که خود یک چالش جدی بود، زمینه‌ساز آزمون دیگری برای نظام آموزشی ایران شد. آزمونی که در آن نه تنها کیفیت آموزش، بلکه دسترسی به آن نیز زیر ذره‌بین قرار گرفت. پرسش بزرگ این است: آیا آموزش آنلاین در ایران توانسته نقش جایگزین واقعی کلاس‌های حضوری را ایفا کند، یا تنها به‌عنوان یک تدبیر موقت، ادا‌امدای نمادین از آموزش است؟ تجربه من به‌عنوان معلمی که در مناطق روستایی تدریس کرده‌ام، متفاوت از روایت‌های رسمی است. در ایام کرونا، نه اینترنت قابل استفاده‌ای وجود داشت، نه گوشی هوشمند یا تبلت و نه زیرساخت‌های مناسب برای برگزاری کلاس‌های آنلاین. نتیجه این شد که آموزش مجازی برای بخش بزرگی از کشور عملاً غیرممکن بود. حتی امروز که در دومدرسه کم‌برخوردار مشغول به تدریس هستم، وضعیت تغییری نکرده است. شاید در ظاهر کلاس‌های آنلاین برگزار شود، اما کیفیت آموزشی که باید باشد، هنوز در دسترس نیست.

آمارهای جهانی وضعیت اسفبار آموزش در ایران را نشان می‌دهند. کرونا نابرابری‌های آموزشی را بیشتر کرده و فاصله بین مناطق برخوردار و محروم را عمیق‌تر کرده است. دانش‌آموزان شهری از امکانات آنلاین بهره‌برداری می‌کنند، در حالی که دانش‌آموزان روستایی از ابزارهای ابتدایی هم محروم هستند. این نابرابری‌ها، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت. چالش اصلی تأمین دسترسی برابر به امکانات آموزشی دیجیتال است. توسعه زیرساخت‌های اینترنت در مناطق محروم و تأمین تبلت یا لپ‌تاپ‌های کم‌هزینه از ضروریات است. طراحی پلتفرم‌های سبک و کم‌حجم برای اینترنت ضعیف و آموزش فناوری برای معلمان مناطق کم‌برخوردار نیز ضروری است تا ابزارهای آموزشی به‌طور مؤثر استفاده شوند و عدالت آموزشی فراهم گردد. در کنار دولت، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی نیز باید به این مسیر بپیوندند. ایجاد کتابخانه‌های دیجیتال محلی، مراکز یادگیری کوچک و پروژه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌هایی‌تواند به کاهش فاصله آموزشی کمک کند. اگر نگاه به آموزش آنلاین به‌عنوان یک ابزار عدالت آموزشی و نه تنها یک راه‌حل اضطراری باشد، می‌توان امیدوار بود که در بلندمدت، این تغییرات به نفع تمامی دانش‌آموزان کشور تمام شود. چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در پیش است؛ روزی که همه کودکان، چه شهری و چه روستایی، به‌طور برابر از آموزش دیجیتال با کیفیت بهره‌مند شوند. روزی که آموزش آنلاین نه تنها یک ابزار، بلکه یک فرصت برابر برای رشد و پیشرفت باشد. این مسیر دشوار است، اما ضروری است؛ چرا که آموزش بدون عدالت، تنها بازتولید نابرابری خواهد بود.